

جایگاه زیارت در آیین کاتولیک و مذهب شیعه؛

بررسی و مقایسه

محمد فولادی / استادیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

محمدجواد نوروزی / دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی قم

دریافت: ۱۳۹۴/۸/۳۱ - پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۲۰

Fooladi@iki.ac.ir

m.javadnorouzi@yahoo.com

چکیده

این پژوهش با رویکرد تحلیلی و نظری و با هدف تبیین جایگاه زیارت در آیین کاتولیک و مذهب شیعه و واکاوی تفاوت و تشابه آن دو تدوین یافته است. در کلیسای کاتولیک، کلیسا خانه خدا و مکان برگزاری آیین‌های عبادی است. کلیساها، صومعه‌ها و اماکن زیارتی، مکانی مناسب برای پیوند انسان با خداست. در تشیع نیز، ساخت بنا و زیارتگاه بر مقابر اولیای الهی مورد تأکید قرار گرفته و مؤمنان با واسطه دانستن اولیای الهی در شفاعت و توسل به آنان، آنان را واسطه فیض می‌دانند. شیعه و آیین کاتولیک، هر دو تلاش دارند تا نگاه پیروان خود را در زیارت، از ظاهر به درون برده و نوعی سلوک عارفانه به آنان تعلیم دهند. در هر دو آیین، اصل بر عدم دل بستگی به دنیا و جست‌وجوی جهان باقی است. تفاوت اصلی مفهوم زائرگونه به سوی شهر آسمانی اورشلیم در کاتولیک، با مفهوم آن در شیعه در این است که در مسیحیت کاتولیک، زیارت به معنای زندگی غربیانه در زمین، ریشه در باورهایی مانند گناه اولیه، صلیب مسیح و عروج اورشلیم به آسمان دارد، اما در شیعه چنین دکترینی پذیرفته نیست.

کلیدواژه‌ها: زیارت، کاتولیک، شیعه، سفر زائرگونه، زائر.

طرح مسئله

سابقه زیارت در مسیحیت به زیارت حضرت مسیح صلی الله علیه و آله و حواریون از معبد اورشلیم بازمی‌گردد. در سده‌های بعد و پس از شهادت قدیسان، شخصیت و آرامگاه آنان مورد احترام کلیسا قرار گرفت و آیین طلب شفاعت قدیسان، وارد آیین کلیسایی شد و زیارت اماکن مقدس منسوب به آنان نیز رواج یافت. با گذشت زمان، رقابت شدیدی برای دفن شهدا و قدیسان در کلیساها ایجاد شد و هریک حتی به دفن قطعه‌ای از بدن قدیس در کلیسای خود خرسند بودند. البته در این بین، خرافات و بدعت‌هایی نیز در مسئله زیارت بروز کرد. در جریان نهضت اصلاح دینی، جایگاه زیارت قدیسان با «شعار نجات از راه ایمان» مورد هجمه مخالفان قرار گرفت. با ورود سیاسیون به منازعات دینی، قبور قدیسان تخریب و بدن آنان در جاده‌ها لگدمال شد و اموال زیارتگاه‌ها به غارت رفت. در مقابل، کلیسای کاتولیک بارها با تشکیل شوراها کاتولیکی، ضمن تأکید بر مشروعیت زیارت، به بدعت‌زدایی از آن اقدام نمود.

کتاب‌های فراوانی پیرامون زیارت در مسیحیت نگاشته شده است. از جمله این آثار عبارتند از: *زیارت اروپائیان در قرون وسطا* (وب، ۲۰۰۲)، *زیارت در مسیحیان یونانی - رومی و مسیحیان اولیه دوره باستان* (السنر، ۲۰۰۵)، *زائران و زیارت در غرب قرون وسطی* (وب، ۲۰۰۱)، *زنان غریب و سرپرستاران مقدس، زنان زائر در و اواخر قرون وسطی* (کریج، ۲۰۱۰)، *هنر و معماری زیارت در اواخر قرون وسطی در شمال اروپا و متون انگلیسی* (بلیک، ۲۰۰۵)، *راهبه‌های غریب، باکره‌ها و زائران، سفر زاهدانه در جهان مدیترانه‌ای، ۳۰۰-۸۰۰ بعد از میلاد مسیح* (دیتز، ۲۰۰۵)، *زیارت از گنگ تا گریسلند* (دیوید و دیویدسون ۲۰۰۲)، *زیارتگاه‌ها و زیارت در دنیای مدرن* (جان مری، ۲۰۰۸) و بازتعریف زیارت (گوله من، ۲۰۰۴).

از سوی دیگر، اعتقاد بر این است که سابقه زیارت قبور اولیا و مشروعیت آن در اسلام، به عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بازمی‌گردد و علما و اندیشمندان شیعه در علوم مختلف از جمله حدیث، فقه، کلام، عرفان به تبیین آن پرداخته‌اند. در بین شیعه و سنی، اولین کتاب‌هایی که به بحث زیارت قبور پرداخته‌اند، کتاب‌های حدیثی هستند. کتاب‌های *الاصول من الکافی*، *کلینی*، *من لایحضره الفقیه*، *شیخ صدوق*، *کامل الزیارات*، *ابن قولویه*، *المزار*، *شیخ مفید*، *المزار*، *شهید اول*، *السوفی*، *فیض کاشانی*، *بحارالانوار*، علامه مجلسی، *وسایل الشیعه*، *شیخ حرعاملی*، تنها بخشی از آثار گران‌سنگ عالمان مذهب شیعه است که روایات مربوط به زیارت را در این آثار فاخر گردآوری کرده‌اند. افزون بر آثار فوق، کتاب‌های فقهی نیز به بحث از این مسئله پرداخته‌اند.

جایگاه زیارت قبور قدیسان و اولیای الهی در آیین کاتولیک و مذهب شیعه و بازکاوی تفاوت‌ها و شباهت‌های آن پردازد.

مفهوم زیارت

«زیارت» در انگلیسی معادل واژه Pilgrimage و به معنی سفری است که زائر به آن می‌پردازد. اصطلاح انگلیسی، مشتق از واژه peregrinus (بیگانه) است و در جریان بسط معنی، به کسی اطلاق می‌شود که به کشورهای دیگر سفر می‌کند. زیارت، سفری است برخوردار از معنی و اهمیت برای شخصی که به آن سفر همت می‌گمارد، خواه از حیث عرف عام و در ظاهر «دنیا ورز»، مثلاً در دیدار از آرامگاه‌های قهرمانان یا هنرمندان و آهنگسازان مشهور؛ و خواه در بافت دینی و دقیق‌تر آن، که با هدف‌های گوناگون دینی صورت می‌پذیرد. برخی از این هدف‌ها عبارتند از: انجام وظیفه دینی، اجرای اعمال عبادی، اقرار به ایمان، توبه کردن، کفاره گناهان، یافتن معجزه، در پی درمان یا مشاوره برآمدن و اقدام عملی در جهت نوسازی معنوی. همچنین واژه «زیارت»، در مورد سیر و سفر درونی روح یا روان فردی که در جست‌وجوی مقصد غایی آرمان‌های دینی خویشان است، به کار برده می‌شود (هینلز، ۱۳۸۶، ص ۳۶۵). زیارت سفری در جست‌وجوی یک تجربه است که بر زندگی معنوی و روحانی فرد تأثیر می‌گذارد (رک: دیوید و دیویدسون، ۲۰۰۲).

زیارت در مسیحیت، یک مفهوم چندوجهی است که شامل سفر (پیدایش ۱۲: ۹-۱)، تحمل تبعید (پیدایش ۴: ۱۶-۱)، زندگی کردن همانند یک زائر مسافر و تلاش برای یافتن سرزمین حقیقی (عبرانیان ۱۱: ۱۶-۱) است. زیارت کاتولیکی، شامل سفرهای عبادی، توبه، شکرگزاری، یا وفای به عهد می‌شود. «زیارت» در لغت دلالت بر «عدول» می‌کند. از این رو، «زائر» را «زائر» می‌گویند، چون هنگامی که زیارت می‌کند، در حقیقت از غیر روگردان می‌شود (ابن‌فارس، ۱۴۲۲ق، ص ۴۴۳). در اصطلاح «زیارت»، قصد نمودن مزور، همراه با اکرام و تعظیم قلبی و انس روحی با مزور است (عبدالرحیم، ۱۴۳۱ق، ص ۲۵). «زیارت» رفتن به سوی یک انسان یا مکان، به قصد تعبد، انس گرفتن یا کمال است (طریحی، ۱۹۸۵، ج ۳، ص ۳۲۰).

در فرهنگ اسلامی، معنی واژه «زیارت» به اعتبار زیارت‌شونده «مزور» فرق می‌کند، به این معنی که گاهی در مورد اشخاص به کار می‌رود. مثلاً در کتاب *الکافی*، بابی تحت عنوان «باب زیارة الأخوان» وجود دارد (موسوعة زیارات المعصومین، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۲).

اما در میان اهل سنت، ابن‌تیمیه (۷۲۸-۶۶۱ق) و سپس، محمدبن عبدالوهاب (۱۱۵-۱۲۰۶)، به پیروی از او، با نگاهی خاص، به مقابله با برخی مصادیق این مسئله پرداخته و با فتوای تخریب قبور بزرگان دین و تکفیر مسلمانان، به انکار بحث زیارت پرداخته‌اند. جالب اینکه برادر محمدبن عبدالوهاب کتاب *الصواعق الهیة فی الرد علی الوهابیة* را در نقد این فرقه نوشته است (برنجکار، ۱۳۹۱، ص ۱۴۵).

شبهاتی که سلفیان همچون ابن‌تیمیه به زیارت وارد کردند، سبب شد که این مسئله به‌طور رسمی وارد کلام اسلامی شود. وی با طرح مسئله توحید و شرک و تکیه بر توحید ربوبی و عبادی، کلام اهل سنت را با زیارت قبور گره زد. در علم کلام، از سه جهت این بحث مطرح شده است:

الف: ردّ زیارت با اثبات شرک‌آمیز بودن آن؛

ب: ارائه ادله و بررسی حکم زیارت قبر پیامبر و سایر قبور و سفر برای آن؛

ج: تبیین فلسفه و حکمت زیارت قبور.

در کتاب *فلسفه زیارت*؛ ترجمه و شرح رساله *زیارة القبور فخر رازی*، اثر دکتر *عابدی*، نقل قول‌هایی از عرفا و فیلسوفان درباره زیارت قبور، بیان شده است.

در ادامه امروزه، همان افکار و شبهات ابن‌تیمیه، و ظهور جریان تکفیری و وهابیت، بخش‌های بسیاری از جهان اسلام با این پدیده شوم مواجه شده است. با هدف پاسخ‌گویی به این‌گونه شبهات در عرصه زیارت، و وسعت‌بخشی به حوزه مطالعاتی مسئله زیارت در اسلام ایجاد فضای فکری جدید برای گفت‌وگوی بین ادیان، این پژوهش با نگاهی نو، به تبیین و بررسی نقاط اشتراک و افتراق مسئله زیارت در آیین کاتولیک و مذهب شیعه می‌پردازد. البته به نظر می‌رسد، مسئله زیارت یک موضوع صرفاً آیینی و فرقه‌ای متعلق به آیین کاتولیک و مذهب شیعه نیست، بلکه زیارت یک موضوع کاملاً مسیحی و اسلامی است که ریشه در منابع اصیل اعتقادی هر دو دین دارد. در اینجا، برای فهم بهتر جایگاه زیارت، به تبیین جایگاه زیارت در آیین کاتولیک و مذهب شیعه و واکاوی؛ شباهت و تفاوت‌های آن می‌پردازیم.

با توجه به تتبع نگارنده، علی‌رغم پیشینه طولانی مسئله زیارت در آیین کاتولیک، هنوز کتاب مستقل یا مقاله علمی دقیق و جامعی به زبان فارسی در این زمینه منتشر نشده است. از این رو، هیچ‌گونه تحقیقات مقایسه‌ای نیز درباره زیارت از دیدگاه آیین کاتولیک و مذهب شیعه صورت نگرفته است. لذا این اثر در نوع خود یک نوآوری محسوب شده، قصد دارد با رویکرد بنیادین و با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، ضمن تعریف معنای زیارت به تبیین

در قرآن کریم از واژه «زور» که به معنی میل کردن است، استفاده شده است. «وَتَرَى الشُّمُسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَّوَرُّ عَن كَهْفِهِمْ» (کهف: ۱۷)، که واژه «تزاور» به معنای تمایل است که از ماده «زور» به معنای میل گرفته شده است. همچنین «زیارت» یعنی «قصد»، چنان که در دعا آمده است: «اللَّهُم اجعلني من زُوَارِكِ» خداوندا مرا از جویندگان و قصدکنندگان خودت قرار بده (طریحی، ۱۹۸۵، ج ۳، ص ۳۱۹-۳۲۰). «زیارت» به معنی سفر و انتقال نیز آمده است. همچنین زیارت مستلزم انتقال و سفر از مکان «زائر» به مکان «مزور» است. چنان که در آیه شریفه «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ» (نساء: ۶۴) برخی اوقات نیز این واژه درباره اماکن استعمال می شود؛ مانند زیارت خانه خدا (کعبه). و گاهی این واژه درباره قبور به کار می رود؛ چنان که قرآن می فرماید: «حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (تکواثر: ۲). در حقیقت، «زیارت» وقوفی است در پناه برگزیدگان و اولیای خدا، برای ایجاد ارتباط روحانی و قلبی تا زائر بتواند از فیض نور او بهره مند گردد (موسوعه زیارات المعصومین، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۳).

۱. جایگاه زیارت در آیین کاتولیک

در مسیحیت کاتولیک، زیارت دارای دو معناست: ۱. زیارت اماکن مقدس زمینی؛ ۲. سفر زائرگونه به سوی شهر آسمانی اورشلیم. این پژوهش، در اینجا به واکاوی این دو معنا می پردازد.

الف. زیارت اماکن مقدس زمینی

۱. دیدگاه عهد جدید درباره زیارت اورشلیم

آیاتی از انجیل لوقا گویای این است که والدین مسیح او را در کودکی برای انجام آداب شریعت به معبد اورشلیم بردند: «و چون ایام تطهیر ایشان برحسب شریعت موسی رسید، او را به اورشلیم بردند تا به خداوند بگذرانند. چنان که در شریعت خداوند مکتوب است که هر ذکوری که رحم را گشاید، مقدس خداوند خوانده شود» (لوقا ۲: ۲۲-۲۳). مطابق دیدگاه کلیسای کاتولیک، زیارت آنان چهل روز پس از ولادت مسیح بوده است: «مسیح هنگامی که ۴۰ روزه بود به معبد برده شد» (کلیسای کاتولیک، ۲۰۰۰، ش ۵۸۳).

عیسی مسیح ﷺ در دوازده سالگی به همراه والدینش برای ادای شریعت به زیارت اورشلیم رفت: «و چون دوازده ساله شد، موافق رسم عید، به اورشلیم آمدند» (لوقا ۴۳: ۲). نکته مهم این است که از زمان سفر عیسی به ناصره تا سفر او به اورشلیم در ۱۲ سالگی، به هیچ وجه خبری از تاریخ طفولیت او در

دست نیست؛ زیرا اناجیل در این مورد چیزی نمی نویسند. لذا تأکید بر حضور والدین عیسی در سن تکلیف شرعی مسیح در اورشلیم حائز اهمیت است (میلر، ۱۹۳۴، ص ۴۱).

کتاب مقدس نقل می کند که مسیح ﷺ خود نیز به همراه حواریون، به زیارت اورشلیم رفته است. ورود مسیح به اورشلیم در اناجیل چهارگانه با تفاوت هایی بیان شده است:

چون عید فصح نزدیک بود، عیسی به اورشلیم رفت (یوحنا ۲: ۱۳). و بعد از آن یهود را عیدی بود و عیسی به اورشلیم آمد (یوحنا ۵: ۱). و چون نزدیک به سرازیری کوه زیتون رسید، تمامی شاگردانش شادی کرده، به آواز بلند خدا را حمد گفتن شروع کردند، به سبب همه قوای که از او دیده بودند (لوقا ۱۹: ۳۷-۳۸). فردای آن روز چون گروه بسیاری که برای عید آمده بودند، شنیدند که عیسی به اورشلیم می آید، شاخه های نخل را گرفته، به استقبال او بیرون آمدند و ندا می کردند هوشیاعا مبارک باد پادشاه اسرائیل که به اسم خداوند می آید (یوحنا، ۱۲: ۱۲-۱۳). و عیسی وارد اورشلیم شده، به هیکل درآمد (مرقس ۱۱: ۱۱). پس عیسی داخل هیکل خدا گشته، جمیع کسانی را که در هیکل خرید و فروش می کردند، بیرون نمود و تخت های صرافان و کرسی های کبوترفروشان را واژگون ساخت؛ و ایشان را گفت: مکتوب است که خانه من خانه دعا نامیده می شود. لیکن شما مغاره دزدانش ساخته اید (متی ۲۱: ۱۲-۱۳). و چون نصف عید گذشته بود، عیسی به هیکل آمده، تعلیم می داد (یوحنا ۷: ۱۵).

در تفسیر انجیل «دراسات ببلیه»، در شرح و تفسیر این آیات آمده است: «حُجَّاج برای عید به آنجا آمده بودند و مسیح همانند دیگر «حجاج» البته ملوکانه وارد اورشلیم شد و مردم نیز با مراسمی باشکوه به استقبال او رفتند. او پس از ورود به شهر به هیکل، وارد شد» (الخوری، ۱۹۹۶، ج ۳، ص ۹۶). تعبیر «حجاج» برای زائران معبد اورشلیم و مسیح، بیانگر این است که دست کم در نگاه برخی مسیحیان، سفر مسیح مصداقی از حج و زیارت اورشلیم است. چنان که مسیح و خانواده اش نیز بارها برای انجام اعمال شریعت و عید فصح برای گزاردن حج به اورشلیم می رفته اند: «و والدین او هر ساله به جهت عید فصح، به اورشلیم می رفتند» (لوقا: ۲: ۴۱).

افزون بر این، از دیگر گزارشات کتاب مقدس درباره زائران معبد اورشلیم، گزارش حضور پطرس و یوحنا رسول در معبد اورشلیم است: «و در ساعت نهم، وقت نماز، پطرس و یوحنا باهم به هیکل می رفتند» (اعمال رسولان ۳: ۱). همچنین اعمال رسولان نقل می کند که پولس قدیس در آخرین دیدارش از اورشلیم، به اتهام نقض قداست معبد دستگیر شد و تحت پیگرد قانونی قرار گرفت (اعمال رسولان ۲۱: ۲۷-۳۰) و پس از دو سال، او را در نزدیکی رم اعدام کردند (هینلز، ۱۳۸۶، ص ۱۶۶). از دیگر زائران اورشلیم در کتاب مقدس، گزارش انجیل لوقا از معتکف شدن زنی به نام «حنا» در هیکل معبد اورشلیم است که سالیان متمادی در معبد مشغول عبادت بود: «و زنی نبیه

بود، حنّا نام، دختر قنّوئیل از سبط آشیر بسیار سالخورده که از زمان بکارت هفت سال با شوهر بسر برده بود؛ و قریب به هشتادوچهار سال بود که او بیوه گشته از هیکل جدا نمی شد، بلکه شبانه روز به روزه و مناجات در عبادت مشغول می بود» (لوقا: ۲: ۳۶-۳۷).

آنچه از این گزارش ها به دست می آید، این است که معبد اورشلیم یا همان خانه خدا (لوقا: ۲: عنوان باب ۲)، مورد توجه مسیح و مسیحیان اولیه بوده است و هریک به نحوی برای عبادت یا انجام مراسم سالیانه در معبد حاضر می شدند. لازم به یادآوری است که هیچ گونه نهی یا ردی نسبت به انجام زیارت غیر خانه خدا در کتاب مقدس وجود ندارد.

۲. دیدگاه آباء کلیسای کاتولیک و شوراهای کاتولیکی درباره زیارت اورشلیم و اماکن مقدس زمینی

از دیدگاه کلیسای کاتولیک، اورشلیم، شهر زیارتی و خانه خدا در زمین، شهری است که دو نمود دارد. چنانچه آگوستین قدیس می گوید:

درباره نبوت های دوره پادشاهان نیز می گویم که برخی از آنها به نسل جسمانی ابراهیم و برخی دیگر به نسلی از وی اشاره می کند که در آن نسل، همه ملت ها از طریق عهد جدید به عنوان وارثان مسیح برکت یافته اند تا حیات جاوید و ملکوت آسمان را به دست آورند. از این رو، برخی از آن نبوت ها به کنیزی تعلق دارند که برای بردگی می زاید؛ یعنی اورشلیم زمینی که با فرزندانش در بردگی اند؛ و برخی دیگر از آنها به شهر آزاد خدا تعلق دارند؛ یعنی اورشلیم حقیقی که در آسمان جاودانه است و فرزندانش همه کسانی هستند که با اراده خدا مانند زائری روی زمین زندگی می کنند. نبوت هایی نیز یافت می شوند که به هر دو تعلق دارند و تعلق آنها به کنیز به طور حقیقی و به زن آزاد به طور مجازی است. بنابراین، اظهارات انبیاء بر سه نوع اند: برخی به اورشلیم زمینی و برخی به اورشلیم آسمانی و به برخی به هر دو مربوط می شوند (آگوستین، ۱۳۹۱، ص ۷۳۵-۷۳۳).

از این رو آباء کلیسا معتقدند: بنای مقدس، نخست و مقدم بر هر چیز، مظهر مسیح به مثابه الوهیت متجلی بر زمین است. در عین حال، بنای مقدس، مظهر عالمی است که از جواهر محسوس و نامحسوس و در نهایت، از انسان و اعضا و جوارح مختلف وی ساخته شده است. مطابق نظر تئودورت معبد سلیمان الگوی اولیه همه کلیساهای ساخته شده در جهان است (بورکهارت، ۱۳۹۰، ص ۶۸). طبق اعتقاد کلیسای کاتولیک: «کلیساهای زمینی و اماکن مقدس تصاویری از شهر مقدس و اورشلیم آسمانی هستند که ما به زیارت آنها می رویم» (کلیسای کاتولیک، ۲۰۰۰، ش ۱۱۹۸). آگوستین قدیس می گوید: «شریعت الهی از همه قوم می خواست که به آنجا (معبد خدا در اورشلیم) بروند و قربانی کنند» (آگوستین، ۱۳۹۱، ص ۷۸۰).

با توجه به جایگاه زیارت، کلیسای کاتولیک با استناد به زیارت مسیح از اورشلیم می گوید:

مسیح همانند پیامبران پیش از او احترام وافر برای معبد اورشلیم قائل بود. او هنگامی که ۴۰ روزه بود به معبد برده شد و در دوازده سالگی به همراه یوسف و مریم به معبد اورشلیم رفت. او هر ساله در طول زندگی، حداقل برای عید پسخ به زیارت معبد اورشلیم می رفت (کلیسای کاتولیک، ۲۰۰۰، ص ۵۸۳). مسیح با زیارت اورشلیم در اعیاد یهودی احترام خود را به معبد نشان داد و با عشقی لبریز علاقه خود را به خانه خدا در میان انسان ها نشان داد» (همان، ش ۵۹۳). «پس از رستاخیز نیز رسولان مسیح احترام خود را به معبد حفظ کردند» (همان، ش ۵۸۴).

از سوی دیگر، با جفاهایی که برخی امپراتوران روم در سده های دوم و سوم انجام دادند، تاریخ مسیحیت سرشار از داستان هایی درباره قهرمانانی است که خود را فدای دینشان می کردند. اینان «شهید» خوانده شدند. واژه Martyr، به معنی «شهید» از ریشه «مارتوس» یونانی به معنی «شاهد بودن یا شهادت دادن» است. مسیحیان، هر ساله مراسم خاصی در آرامگاه شهدا برگزار می کردند. از این رو، عقیده دفع جن و شفای بیماران بر اثر زیارت در میان آنان رواج یافت. در پی گسترش این باورها، کم کم این گونه تعلیم می شد که شهادت بهترین دلیل ایمان شخص به نیروی نجات بخش عیسی مسیح است و شهدا بی درنگ در بهشت جای می گیرند. بر خلاف مسیحیان عادی، شهدا لازم نیست که تا روز قیامت انتظار بکشند تا به حضور خداوند شرفیاب شوند. از این رو، گمان می رفت شهدا منزلی می یابند که به آنان امکان می دهد نقش واسطه را بین خداوند و انسان های در قید حیات ایفا کنند. توسل به شهدا، مؤثرترین راه جلب عنایت خداوند به نظر می رسید. حتی ریگ های منسوب به قبور آنان، اشیایی با نیروی فوق طبیعی به شمار می رفت. با گذشت قرن ها، کسانی هم که با پرهیزکاری زیسته بودند، اما لزوماً شهید نشده بودند، مشمول این اعتقاد به وساطت بین پروردگار و بندگانش شدند. اینان «سنت» یا «قدیس» نام گرفته اند که از ریشه واژه لاتینی سانکتوس به معنی «مقدس» است. از آنجاکه گمان می رفت قدیسان نیز پس از مرگ، بسان شهدا امکان وساطت و شفاعت پیدا می کنند، مرقد آنها نیز تبدیل به زیارتگاه می شد. ریگ های منسوب به قدیسان را هم مانند یادگارهای شهیدان دارای نیروی فوق طبیعی می دانستند و خرید و فروش و حتی سرقت آنها رواج یافت. کیش پرستش قدیسان و شهدا در مسیحیت چنان غالب شد که کشف تربت قدیسان و شهدای «فراموش شده» در شهرها و آبادی های فاقد آنها معمول شد. غالباً محل آن به خواب کسی می آمد یا به شخصی الهام می شد، آن را پیدا می کردند و بقایای مرده را به محل مناسب تری انتقال می دادند (ویلسون، ۱۳۸۱، ص ۴۰-۴۲).

تا قرن دهم میلادی کلیسا افراد زیادی را به مقام قدیسی ارتقا داده بود. با تعدد قدیسان، یادگارهای

فراوانی از آنان به جامانده بود. مانند استخوان، لباس، مو و چیزهایی که آنان در دوران زندگی به کار برده بودند. مسیحیان این اشیای متبرک را دارای خواص فوق طبیعی می دانستند و کلیساهای بسیاری مدعی بودند که برخی از آن یادگارها را در اختیار دارند. کلیساها در گردآوردن اشیای متبرک با هم رقابت داشتند؛ زیرا با تملک و گذاشتن آنها در برابر دیدگان مؤمنان سخاوتمند، ثروت زیادی به دست می آوردند. جریان سوءاستفاده به جایی رسید که اجساد قدیسان را قطعه قطعه می کردند تا چند کلیسا از آنها برخوردار شوند. این شور و شوق، گروهی را بر آن داشت تا هزاران شیء متبرک قلابی را به کلیسا و مردم بفروشد (رسولزاده و باغبانی، ۱۳۸۹، ص ۳۶۶-۳۶۷). بعدها شورای دوم لیون (۱۲۷۴) علیه این گونه موارد واکنش نشان داد. با این توصیفات، زیارت قدیسان در مسیحیت کاتولیک رواج یافت و در سرتاسر دنیا اماکن متعددی به این قدیسان منتسب شد.

چگونگی شکل گیری بحث زیارت و رواج بدعت هایی در آن در طول تاریخ مسیحیت، سبب شد تا عده ای به مخالفت با کلیسای کاتولیک و با اتهاماتی به طعن این آیین بپردازند. از این رو، کلیسای کاتولیک با دو گروه مخالفان و بدعت گزاران مواجه بود و از همان ابتدا با تشکیل شوراهای کلیسایی نسبت به هر دو گروه واکنش نشان دادند: در مرحله ای اصل زیارت را تأیید، در برهه دیگر بدعت های ایجاد شده در زیارت را به صراحت نفی و طرد نمودند. در اینجا به بررسی دیدگاه شوراهای کلیسایی در موضوع زیارت می پردازیم:

– شورای نیکیه اول

همان گونه که گذشت از ابتدا، زیارت اورشلیم یکی از آیین های رسمی دین مسیحیت بود. البته زیارت سایر اماکن زیارتی پس از آنکه کنستانتین در سال ۳۱۳ به مسیحیت گروید و مسیحیت آیین رسمی شد و مسئله زیارت در شورای نیکیه اول به تأیید رسید، فزونی یافت (دیوید و دیویدسون، ۲۰۰۲، ص ۵۶۱). تأییدیه این شورا، آغاز رسمی زیارت، به عنوان یک عمل دینی در آیین کاتولیک محسوب می شود.

– دیدگاه های شمایل پرستان و شمایل شکنان در شورای نیکیه دوم (۷۸۷)

در جامعه مسیحی قرن هشتم، دو گروه شمایل پرستان و شمایل شکنان برابر یکدیگر قرار داشتند؛ شمایل پرستانی که به تصاویر و تمثال های مسیح و قدیسان احترام می گذاشتند و با زانو زدن آنها را

می بوسیدند و شمایل شکنانی با شمایل پرستی مخالف بودند و آن را بت پرستی می دانستند (رسولزاده و باغبانی، ۱۳۸۹، ص ۳۶۱-۳۶۲). آیکونودیول ها (تکریم کنندگان شمایل ها) معتقد بودند که شمایل ها برای تعلیم مؤمنان به کار می آیند و آنها را دنباله تجسد می دانستند و می گفتند:

از این باب باید به آنها احترام کرد. آنان استدلال می کردند که عبادت نشانه احترام و تکریم است. پرستش حقیقی را که لاتریا (Latria) نامیده می شود، به معنای «عبادت» معمولاً در برابر (douleia) یعنی «تکریم» قدیسان، شمایل ها و غیره قرار دارد. نسبت به خدایی معمول می داریم که تنها او به طور طبیعی شایسته پرستش است و سپس به خاطر خدایی که تنها او به طور طبیعی شایسته پرستش است، قدیسان و بندگانش را احترام می کنیم؛ همان طور که یوشع و دانیال فرشته را پرستیدند... و یوسف معبود برادرانش واقع شد... آیا صلیب سعادت مند و بسیار مقدس مادی نبود؟ آیا کوه محترم و مقدس جُلجُنا (مکان مصلوب شدن مسیح) (متی ۲۷: ۳۳) مادی نبود؟ صخره حیات بخش، قبر مقدس، منبع رستخیز ما چگونه بود؛ آیا مادی نبود؟ آیا کتاب های انجیل بسیار مقدس مادی نیستند؟ و از همه اینها مهم تر، آیا گوشت و خون خداوند ما مادی نیست؟ یا از تکریم و پرستش مناسب برای همه این چیزها دست بردارید، یا به سنت کلیسا در تکریم تمائیل گردن نهدید و خدا و دوستانش را احترام و از فیض روح القدس پیروی کنید (وان وورست، ۱۳۸۵، ص ۲۳۶-۲۴۱).

بنابراین، هفتمین شورای جهانی برای بحث درباره این رسم آیینی که کتاب مقدس به آن اشاره ای نداشت و به ادعای گروهی مخالف آن هم بود، تشکیل شد. سرانجام، شورای دوم نیکیه دوم، در سال ۷۸۷ دیدگاه شمایل پرستان را برگزید (رسولزاده و باغبانی، ۱۳۸۹، ص ۳۶۱-۳۶۲). اما پیش از این «در شورایی کلیسایی در سال ۷۵۴ در هیریا تشکیل شد و از نابود کردن تمثال ها طرفداری کرد. در این شورا، یوحنا دمشقی ملعون خوانده شد». اما کشمکش ها در این مسئله ادامه یافت (همان). در هفتمین اعتقادنامه شورای مسیحی سال ۷۸۷، چنین آمده است:

ما به پیروی از صراط ملوکانه و اقتدار الهام شده الهی پدران مقدسمان و سنت کلیسای کاتولیک، با اطمینان و دقت تمام تصمیم گرفته ایم تمائیل محترم و مقدس یعنی صورت خداوند، خدا و نجات دهنده ما عیسی مسیح و بانوی پاکدامن، مادر خدا و فرشتگان مکرم و همه قدیسان و همه انسان های پارسا، چه در نقاشی یا موزائیک و سایر مواد مناسب، درست مانند صورت صلیب گران بها و حیات بخش، باید در کلیساهای مقدس خدا و بر ظروف مقدس و بر لباس ها و پرده ها و تابلوهای خانه ها و راه ها قرار داده شود؛ زیرا آنان هر اندازه بیشتر در نمایش هنری دیده شوند، مردم نیز بیشتر به یادآوری صاحبان آن تمائیل و شوق به ایشان صعود خواهند کرد. باید سلام مناسب و احترام فراوان و نه آن عبادت واقعاً درست ایمانی که فقط به خدای متعال اختصاص دارد، به آنان تقدیم شود... زیرا احترامی که به صورت ادا می شود، به صاحب صورت می رسد و هر کس که صورت را گرامی می دارد، اصل آن را گرامی می دارد (وان وورست، ۱۳۸۵، ص ۲۳۶-۲۴۱).

– بررسی اعتبار اشیاء منسوب به قدیسین در شورای چهارم لاتران (۱۲۱۵)

با افزایش تعداد شهدای مسیحیت و مطرح شدن شمار قدیسان، نزاع جدیدی در مسیحیت به وجود آمد؛ چراکه کلیساها در گردآوردن اشیای متبرک با هم رقابت داشتند، به گونه‌ای که در شورای چهارم لاتران (۱۲۱۵) نگاهداری اشیای منسوب به قدیسان را در خارج از زیارتگاه‌های آنان ممنوع کرد. این شورا به ریاست پاپ/ینوسنت سوم (۱۱۹۸-۱۲۱۶)، که برجسته‌ترین پاپ قرون وسطا بود، در محل کلیسای یوحنا رسول در لاتران برگزار شد و در آن ۱۵۰۰ نفر از روسای دیرها، اسقفان، کشیشان و نمایندگان ملل مسیحی شرکت کردند. این شورا مؤمنان را از معتبر شمردن نامه‌های جعلی و یادگارهای دروغین قدیسان بر حذر داشت و فروش آنها را عملی ناپسند دانست. شورا اعلان کرد که نگهداری اشیای منسوب به قدیسان در خارج از زیارتگاه‌های آنان ممنوع است (رسول‌زاده و باغبانی، ۱۳۸۹، ص ۳۶۴-۳۶۵).

– بدعت‌زدایی از مسئله زیارت در شورای دوم لیون (۱۲۷۴)

در سال ۱۲۷۴، شورای دوم لیون نیز با صدور بیانیه‌ای تقلب در این اشیای متبرک و تصویر قدیسان را عملی نکوهیده شمرد. این شورا نیز تنها به بدعت‌زدایی از مسئله زیارت در مسیحیت پرداخت و نسبت به اصل مسئله زیارت مخالفتی نشان نداد. گریگوری دهم، در سال ۱۲۷۱ به مقام پاپی رسید. او امیدوار بود مسیحیان با یک تلاش دسته‌جمعی بر فلسطین دست یابند. بدین منظور، درصدد برآمد همه اروپا را برای مبارزه با مسلمانان متحد کند. وی در سال ۱۲۷۴ سراسقفان کلیساها را به شورای لیون دعوت کرد. امپراتور یونان رهبران کلیسای یونان را به لیون فرستاد تا مراتب اطاعت و انقیاد خود را از دستگاه پاپی به اثبات برسانند. از اسقفان دعوت شد فهرستی از کارهای خلاف و اصلاحاتی را که برای تصفیه کلیسا ضروری بود، تسلیم شورا کنند. شورا پس از دریافت پیشنهادها، قوانینی را برای از بین بردن مفاسد به تصویب رساند. دومین شورای لیون تقلب در این اشیای متبرک و تصویر قدیسان را عملی نکوهیده شمرد. پاپ گریگوری، در سال ۱۲۷۶، هنگام بازگشت به رُم درگذشت و جانشینان او به اهدافش اعتنایی نکردند (همان، ص ۳۶۶-۳۶۷).

– بررسی جایگاه قدیسان در شورای ترنت؛ نخستین شورای عصر اصلاحات (۱۵۴۵-۱۵۶۳)

هنگامی که تفرق در مسیحیت بر اثر جنبش‌های اصلاحی پروتستان آغاز شد، رهبران کلیسای کاتولیک در مقابل هجوم‌های اعتقادی علیه آیین زیارت در این کلیسا بی‌کار نشستند و چندین بار درون‌کاوی

ژرف و اصلاحات داخلی عمیق را در پیش گرفتند. حرکت‌های اصلاحی کاتولیک‌ها، که اوج آن در هنگام تجزیه مسیحیت بر اثر جنبش‌های اصلاحی پروتستان آغاز شد، توانست حیاتی دوباره به کلیسای کاتولیک ببخشد؛ اصلاحات کاتولیکی در سطح‌ها و جهت‌های گوناگون رخ داد (ویلسون، ۱۳۸۱، ص ۸۵-۸۴). بر همین اساس، شورای ترنت (Council of Trent)، نخستین شورای عصر اصلاحات بود که در واکنش به خواسته‌های اصلاح‌طلبان تشکیل شد. در سال ۱۵۴۵ شورای ترنت، به دستور پاپ در شهر ترنت ایتالیا تشکیل شد. در این شورا، که با حضور سی اسقف و بدون حضور پاپ تشکیل شد، به دو مسئله مهم، که دغدغه امپراتور و پاپ بود، رسیدگی شد. امپراتور درصدد جلوگیری از سوءاستفاده‌های کلیسا و صلح با لوتری‌ها بود و پاپ در پی پرداختن به پرسش‌هایی بود که در مورد اصول مطرح بود. شورای ترنت، از سال ۱۵۴۵ تا ۱۵۶۳ بیست‌وپنج جلسه تشکیل داد که صدها اسقف در آن شرکت کردند. این شورا، موفق شد عقاید کاتولیک را به شکلی بیان کند که هم اختصاصی باشد و هم معتبر. این کلیسا با انتخاب بعضی از عقاید، اشکال دیگر را نفی کرد. حتی آنهایی را که تا آن زمان قانونی به حساب می‌آمدند. همان‌گونه که یک مورخ می‌گوید: «آنچه از ترنت بیرون آمد یک "بسته" کاتولیک بود که تا زمان واتیکان دوم، به شکل یکسانی از طرف کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها به عنوان تنها مظهر کاتولیسم موقت شناخته شده بود» (فلاورز، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹-۱۲۵). به‌طور کلی، شورای ترنت، لزوم انضباط معنوی را در همه رده‌ها برای رویارویی با هجوم پروتستان‌ها مورد تأکید قرار داد (ویلسون، ۱۳۸۱، ص ۸۵-۸۴). سرانجام، طی سال‌های (۱۵۴۵-۱۵۶۳) شورای ترنت، در پاسخ به اعتراضات کلیسای پروتستان درباره جایگاه و زیارت قدیسین، اعتقادنامه رسمی کوتاهی را به تصویب رساند و مقرر شد این اعتقادنامه در کلیساهای بخش، قرائت و بر نوکیشان الزام شود. در این اعتقادنامه آمده است:

من اعتقاد راسخ دارم که برزخی وجود دارد و نفوس گرفتار در آن با اعانه مؤمنان کمک می‌شوند. همچنین معتقدم قدیسان که با مسیح سلطنت می‌کنند، باید محترم شمرده شوند و به آنان متوسل شد و معتقدم که آنان دعاهایی را برای ما به خدا تقدیم می‌کنند و بقایای آنان باید مورد احترام قرار گیرد. من با تأکید اظهار می‌دارم که تمثال‌های مسیح و باکره دائمی مادر خدا و همچنین دیگر قدیسان باید نگهداری و حفظ شوند و آنان را به طور مناسب عزیز و محترم بدارند (وان وورست، ۱۳۸۵، ص ۳۶۹-۳۷۰).

یک تبصره الحاقی به مصوبات شورای ترنت حاکی از این است که یکی از هدف‌های برگزاری این‌گونه عشا‌ی ربانی، این است که شفاعت شخص مقدس در پیشگاه عرش الهی پذیرفته شود (مولند، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱-۱۴۵).

نکته قابل توجه اینکه اقدامات کلیسای کاتولیک در پاسخ به اعتراضات پروتستانی علیه مسئله

زیارت، منحصر به نخستین شورای عصر اصلاحات و صدور اعتقادنامه ترنت نبود، بلکه این کلیسا در برهه‌های مختلف، بر جایگاه ویژه قدیسان و لزوم احترام آنان تأکید داشت. چنان‌که کلیسای کاتولیک رومی در جنوب و شرق اروپا، در پاسخ به اصلاح‌طلبان گفت که زیارت به پرورش معنویت و افزایش وفاداری به کلیسا کمک می‌کند. همچنین آنان برای قانع کردن مخالفان زیارت به معجزات قدیسین در زیارتگاه‌ها استناد کردند؛ چراکه معتقد بودند دسته‌ای از معجزات که در این زیارتگاه‌ها انجام شده بود، مدرک غیرقابل انکاری از این سخن است که خدا می‌خواهد از طریق این زیارتگاه‌ها، فیض خودش را بگستراند. همچنین در اقدامی دیگر، در سال ۱۵۴۸ مقررات ژنوئیت‌ها (وان وورست، ۱۳۸۵، ص ۳۴۰)، با ماهیتی ضدپروتستانی، منتشر شد و با تأکید بر اطاعت مطلق و بی‌چون و چرا از پاپ، در بند ششم، این مقررات بیان گردید: ستایش از آثار قدیسان با تکریم آنها و با دعا کردن برای این قدیسان، همچنین ستایش از مقام‌ها، زیارت‌ها، کفاره‌ها، اعیاد، کفاره‌های صلیبی، روشن کردن شمع در کلیساها (دیوید و دیویدسون، ۲۰۰۲، ص ۵۶۱).

ب. سفر زائرگونه به سوی شهر آسمانی اورشلیم

اما در خصوص زیارت نوع دوم، یعنی سفر زائرگونه به سوی شهر آسمانی اورشلیم، از دیدگاه کتاب مقدس و کلیسای کاتولیک باید گفت: سفر زائرگونه به سوی شهر آسمانی اورشلیم، اشاره به زیست زائرگونه و عدم دلبستگی به دنیا در زمین دارد و ریشه‌های آن را می‌توان در کتاب مقدس و نوشته‌های عالمان مسیحی پیدا نمود، آنجا که کتاب مقدس، در کتاب مکاشفه سخن از اورشلیم آسمانی می‌گوید و در جای دیگر، مسیحیان را به زندگی غربانه در زمین تشویق می‌کند و از آنان می‌خواهد تا مانند ابراهیم در پی شهر خدا بنیاد آسمانی باشند.

این موضوع در کتاب مقدس و عهد جدید بن‌مایه‌هایی از داستان‌های عهد قدیم، البته با تغییرات مفهومی عمیقی گرت‌برداری شده است. مفسران عصرهای متأخر نیز با توسعه شبکه پیچیده ارتباطات و تفاسیر تمثیلی خود تا حدی شخصیت‌های عهد عتیق و حوادث آن در عهد جدید را به گونه‌ای دیگر معنا نمودند. در همین زمینه، زندگی شخصیتی همانند حضرت ابراهیم علیه السلام از آن جهت که «زندگی غربانه» در زمین را پذیرفت و زائر شهر خدا بنیاد شد، به عنوان الگوی ایمانی به ایمان‌داران معرفی شده است:

به ایمان ابراهیم چون خوانده شد، اطاعت نمود و بیرون رفت به سمت آن مکانی که می‌بایست به میراث یابد. پس بیرون آمد و نمی‌دانست به کجا می‌رود؛ و به ایمان در زمین وعده مثل زمین بیگانه غربت

پذیرفت و در خیمه‌ها با اسحاق و یعقوب که در میراث همین وعده شریک بودند مسکن نمود. زائرو که مترب شهری با بنیاد بود که معمار و سازنده آن خداست (عبرانیان ۱۱: ۸-۱۰).

در نتیجه، نویسندگان عهد جدید، مسیحیان را ترغیب می‌کردند تا خودشان را به مانند زائر و غریبه‌های روی زمین، بسان ساکنی موقت ببینند که سکنا‌ی حقیقی‌اش در آسمان است.

در ایمان همه ایشان فوت شدند، درحالی‌که وعده‌ها را نیافته بودند، بلکه آنها را از دور دیده، تحیت گفتند و اقرار کردند که بر روی زمین، بیگانه و غریب بودند؛ زیرا کسانی که همچنین می‌گویند، ظاهر می‌سازند که در جست‌وجوی وطنی هستند؛ و اگر جایی را که از آن بیرون آمدند، به خاطر می‌آورند، هرآینه فرصت می‌داشتند که (بدانجا) برگردند. لکن الحال مشتاق وطنی نیکوتر یعنی (وطن) سماوی هستند و از این رو خدا از ایشان عار ندارد که خدای ایشان خوانده شود، چونکه برای ایشان شهری مهیا ساخته است (رساله به عبرانیان ۱۱: ۱۳-۱۶). ای محبوبان، استدعا دارم که چون غریبان و بیگانگان از شهوات جسمی که با نفس در نزاع هستند، اجتناب نمایید (رساله اول پطرس ۲: ۱۱).

از سوی دیگر، رسیدن به شهر خدا بنیاد، نیازمند منجی و راهنماست تا رهرو را به سرمنزل مقصود برساند. از این رو، عهد جدید با نگاهی نو به داستان سقوط بشر از جایگاه والای خود، بیگانگی آدم و حوا و نافرمانی و ستیز قابیل، زمینه نمایش فدا و رستگاری را مهیا می‌سازد تا ایمان‌دار زائر میهن حقیقی، از طریق فرمان‌برداری مسیح به نجات برسد. «گفت: هرکه خواهد از عقب من آید، خویشتن را انکار کند و صلیب خود را برداشته، مرا متابعت نماید» (مرقس ۸: ۳۴). «عیسی بدو گفت: من راه و راستی و حیات هستم. هیچ‌کس نزد پدر جز به وسیله من نمی‌آید» (یوحنا ۱۴: ۶).

در اناجیل، عیسی مسیح بسان کسی به تصویر کشیده شد که با مرگ خود بر صلیب، بخشش از گناه اولیه را به انسان ارزانی می‌دارد؛ و برای افراد امکان بازگشت به خدا و در نهایت رسیدن به بهشت را ممکن می‌سازد. از آن پس، دیگر تمرکز برای یافتن خدا در شهر زمینی اورشلیم، به یافتن خدا در وجود مسیح تغییر یافت. «و دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید، چون که آسمان اول و زمین اول درگذشت و دریا دیگر نمی‌باشد؛ و شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل می‌شود» (مکاشفه ۲۱: ۲۱-۲۷).

از این رو، برخلاف یهودیت که سرزمین مقدس در آن پدیدار بود، در مسیحیت اورشلیم جدید و سرزمین مقدس از آسمان به زمین فرود می‌آید. «شهر خدای خود یعنی اورشلیم جدید را که از آسمان از جانب خدای من نازل می‌شود» (مکاشفه ۳: ۱۲).

اما در تفسیر سفر زائرگونه به سوی شهر آسمانی اورشلیم، از دیدگاه کلیسای کاتولیک و آباء آن باید گفت: نگارندگان عهد جدید و پدران اولیه کلیسا، علاوه بر پذیرش جایگاه زیارت معبد اورشلیم،

بر مفهوم دیگری به نام «زندگی به عنوان زیارت» و «سفر زائرگونه به سوی شهر آسمانی اورشلیم» تأکید داشتند. چنان‌که سفر به سوی شهر آسمانی اورشلیم در کتاب مکاشفه بیان شده است (مکاشفه ۲۱: ۱-۲۷). همچنین دیدگاه آگوستین قدیس که می‌گوید: سلیمان معبد را به عنوان «الگوی» کلیسا و «الگوی» جسم مسیح بنا کرد؛ و باور به اینکه مقدر بود تا جسم مسیح (پس از صلیب) جایگزین معبد سلیمان شود (بورکهارت، ۱۳۹۰، ص ۶۸)، مفهوم جدیدی را در میان پدران کلیسای کاتولیک به وجود آورد و از مسیحیان خواست تا خود را ساکنان موقت و «زائران» روی زمین بدانند تا شهروندان شهر آسمانی شوند. لذا سفر به سوی سرزمین آسمانی در نوشته‌های بسیاری از پدران کلیسا پدیدار شد؛ چراکه گرچه آدم و حوا بی‌اختیار در زمین تبعید شدند تا پاسخ نافرمانی‌شان را بدهند و ما متحمل مشقت آن شده‌ایم، اما هنوز امیدی باقی است تا کسانی از روی میل بپذیرند که زائر باشند و آسایش خاطر زمینی را فراموش کنند و به سوی آسمان سفر کنند.

... پس خداوند خدا، او را از باغ عدن بیرون کرد تا کار زمینی را که از آن گرفته شده بود، بکند. پس آدم را بیرون کرد و به طرف شرقی باغ عدن، کروبیان را مسکن داد و شمشیر آتشباری را که به هر سو گردش می‌کرد تا طریق درخت حیات را محافظت کند... و آدم، زن خود حوا را بشناخت (پیدایش ۳ و ۴).

اورینگن، کلمنت اسکندرانی، سیپریان، آگوستین قدیس و گریگوری کبیر به بررسی این موضوع پرداخته‌اند. آنان بر گذرا بودن موقعیت‌های دنیوی تأکید می‌کردند و مسیحیان را تشویق می‌کردند تا در پی آسایش خاطر جاودان باشند که به کسانی که خواهان ارزش‌ها و پاداش‌های اورشلیم آسمانی هستند، وعده داده شده است. یکی از نویسندگان تأثیرگذار در این زمینه، آگوستین قدیس (۳۵۴-۴۳۰) است که کسانی وی را بعد از پولس، مؤثرترین متأله مسیحی دانسته‌اند. او این اثر را پس از هجوم گوت‌ها به رم و غارت آن در ۴۱۰ میلادی، در پاسخ به علت سقوط امپراتوری روم و شبهات مشرکان فرهیخته درباره مسیح نگاشت (آگوستین، ۱۳۹۱، ص ۱۰-۱۱).

آگوستین تأکید می‌کند که در حقیقت نه یک شهر، بلکه دو شهر وجود دارد: یکی زمینی و دیگری آسمانی است: «دو شهری که در این جهان به یکدیگر درآویخته و باهم درآمیخته‌اند» (همان، کتاب یازدهم، ص ۴۵۳). شهروندان این دو شهر در کنار یکدیگر در این دنیا زندگی می‌کنند، اما هریک ارزش‌ها، انتظارات و اولویت‌های متفاوتی دارند. آگوستین، هابیل را «شهروند شهر ابدی و زائری بر روی زمین» (همان، کتاب پانزدهم، ص ۶۲۴) می‌خواند و درباره آثار قتل هابیل می‌گوید: «این سستی یعنی نافرمانی اندام‌ها، کیفر نافرمانی نخست است، بنابراین، آن نه چیزی طبیعی، بلکه یک نقیصه است. از این‌رو، به

نیکان که راه کمال را می‌پیمایند و در این زیارت باایمان زیست می‌کنند» (حقوق ۲: ۴؛ رساله به رومیان ۱: ۱۷؛ رساله به غلاطیان ۳: ۱۱؛ رساله به عبرانیان ۱۰: ۳۸)، گفته شده است: «بارهای سنگین یکدیگر را متحمل شوید و بدین نوع، شریعت مسیح را به‌جا آورید» (رساله به غلاطیان ۲: ۶؛ آگوستین، ۱۳۹۱، کتاب پانزدهم، ص ۶۲۵-۶۲۶).

در همین زمینه، کلیسای کاتولیک بر این باور است که از این پس، مسیحیان باید در پی اورشلیم آسمانی باشند و در حقیقت، اورشلیم زمینی نماد اورشلیم آسمانی است، آنجا که در تفسیر پیش‌گویی مسیح از تخریب اورشلیم گفته شده است: «آن‌گاه که او خبر تخریب آن (اورشلیم) را داد، خود نشان از صلیب و ورود به عصری جدید از تاریخ نجات است؛ چراکه پس از آن بدن مسیح معبد واقعی می‌باشد» (کلیسای کاتولیک، ۲۰۰۰، ش ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۹۳). و راه رسیدن به حقیقت آسمانی نیز، پیروی از کلیسا است.

۲. جایگاه زیارت در شیعه

در مذهب شیعه نیز زیارت دارای جایگاه ویژه است و در تقسیم‌بندی عبادات، شامل واجب (حج تمتع) و مستحب (عمره و زیارت پیامبر و خاندان اهل بیت علیهم‌السلام) می‌شود. از این‌رو، خداوند خانه خود را برای زائران خود مهیا کرده است و از زائران خانه خود می‌خواهد که در مقام حضرت ابراهیم علیه‌السلام، یعنی نقطه‌ای که ابراهیم علیه‌السلام در آنجا ایستاده است، نماز بگزاردند: «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ أَمْنَا وَ اتَّخَذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّی وَ وَعَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهْرًا يَبْتَسِي لِّلطَّائِفِينَ وَ الْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ» (بقره: ۱۲۵). قرآن کریم کعبه را عامل قیام مردم (مائده: ۹۷) و نخستین خانه مبارک برای نیایش مردمان خوانده و آن را مبارک و مایه هدایت توصیف نموده است (آل عمران: ۹۶). مسئله زیارت کعبه در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز جایگاه والایی دارد. امیرالمؤمنان علیه‌السلام آن را رمز اقتدار دین و عکس اسلام دانسته است (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۴۵). اهمیت زیارت بیت الله الحرام تا بدانجاست که امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در وصیتی به امام حسن علیه‌السلام می‌فرماید: «اللَّهِ اللَّهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تُخْلَوْهُ مَا بَقِيْتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تَرَكْتُمْ لَمْ تُنَاطِرُوا» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۴۲۲) امام صادق علیه‌السلام نیز فرمود: «لَوْ أَنَّ النَّاسَ تَرَكَوْا الْحَجَّ لَكَانَ عَلَيَّ الْوَالِي أَنْ يُجْبِرَهُمْ عَلَيَّ ذَلِكَ وَ عَلَيَّ الْمَقَامِ عِنْدَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۷۲).

همچنین یکی از آیاتی که بر جواز زیارت قبر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به آن استناد شده است، این است که می‌فرماید: «وَ مَا أَرْسَلْنَا مِن رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا» (نساء: ۶۴). طبق نظر برخی مفسران این آیه مربوط به همه

گناهکاران است که توبه‌پذیری خداوند را به آنها یادآوری می‌کند و اعلام می‌دارد که امکان بازگشت باز است. این آیه متذکر می‌شود که افراد خطاکار می‌بایست نخست، توبه کنند و از راه اشتباه بازگردند و سپس، برای قبولی توبه خود، پیامبر را واسطه قرار دهند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۴۵۱).

علاوه بر اینکه، امام صادق علیه السلام در زیارت‌نامه رسول اکرم صلی الله علیه و آله این آیه را می‌آورد: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا. إِلَهِي فَقَدْ أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْهَا لِي يَا سَيِّدَنَا أَوْجِهُ بِكَ وَ بِأَهْلِ بَيْتِكَ إِلَهِي اللَّهُ تَعَالَى رَبِّكَ وَ رَبِّي لِيَغْفِرَ لِي» (ابن قولویه، ۱۴۲۴ق، ص ۵۰)؛ خدایا! تو فرموده‌ای اگر ایشان آن‌گاه که بر خود ستم کردند، نزد تو می‌آمدند، پس از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر نیز برای ایشان درخواست آمرزش می‌نمود، به یقین خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند. خدایا! من استغفارکنان و پشیمان از گناهانم نزد پیامبرت آمدم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و گناهانم را ببامرز. ای سرور ما، دست به دامن تو و خاندانت، به‌جانب خدای متعال که پروردگار من و توست، روی می‌آورم تا مرا ببامرز.

شیعیان مضمون آیه ۶۴ سوره نساء را نیز درباره امامان معصوم علیهم السلام جاری می‌دانند؛ زیرا آنان همگی، نور واحدند (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۳۵۹). همان احترامی که درباره قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله لازم است، برای قبور آن بزرگواران نیز جاری است. چنانچه در حیاتشان لازم بود (مجلسی، بی‌تا، ج ۹۷، ص ۱۲۵). حیات و ممات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام برای توسل به آنان و شفاعت ایشان یکسان است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۳۷۹). چنان‌که خطاب به امام حسین علیه السلام می‌گوییم: «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ تَشْهَدُ مَقَامِي وَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَ أَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ رَبِّكَ تَرْزُقُ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۳۴۵). پس زیارت قبر آنان نیز برای استغفار و درخواست از ایشان برای استغفار کردن از جانب زائر جایز است.

اکنون برای تبیین اهمیت زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عترت طاهرینش از دیدگاه شیعیان، به چند روایت دیگر اشاره می‌کنیم:

۱. درباره اهمیت زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایات متعددی از عبدالله بن عمر نقل شده است. از جمله وی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود: «مَنْ جَاءَنِي زَائِرًا (لَا تَحْمِلُهُ) إِلَّا زِيَارَتِي كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَكُونَ شَفِيعًا لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ هرکس به زیارت من بیاید و انگیزه‌ای جز زیارت من نداشته باشد، بر من لازم است که شفیع او در روز قیامت باشم. همچنین از او نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ زَارَنِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي»؛ هر کس پس از مرگم مرا زیارت کند، مثل این

است که مرا در حال حیات زیارت کرده است. همچنین «مَنْ زَارَ قَبْرِي (أَوْ قَالَ مَنْ زَارَنِي) كُنْتُ شَفِيعًا لَهُ»؛ هر کس قبر مرا زیارت کند، من شفیع او می‌گردم. و «مَنْ زَارَ قَبْرِي وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي»؛ هر کس قبر مرا زیارت کند از شفاعتم بهره‌مند خواهد بود» (السمهودی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۳۴۰؛ سبکی، ۲۰۰۸، ص ۱۱۵-۶۵).

۲. اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «مُرُوا بِالْمَدِينَةِ فَسَلِّمُوا عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنْ قَرِيبٍ وَ إِنْ كَانَتْ الصَّلَاةُ تَبْلُغُهُ مِنْ بَعِيدٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۵۲)؛ به مدینه بروید و بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سلام بدهید، هرچند که سلام و درود از راه دور به آن حضرت نیز می‌رسد. زیارت از دور نیز هرچند مورد قبول و توصیه است، اما این حدیث، نشان می‌دهد که حضور زائر در کنار مزور و قبر وی خصوصیتی دارد، لذا مورد توصیه و سفارش قرار گرفته است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۳۷۹).

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: «يَا عَلِيُّ مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي أَوْ زَارَكَ فِي حَيَاتِكَ أَوْ بَعْدَ مَوْتِكَ أَوْ زَارَ ابْنَيْكَ فِي حَيَاتِهِمَا أَوْ بَعْدَ مَوْتِهِمَا ضَمِنْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ أَخْلَصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا وَ شَدَائِدِهَا حَتَّى أَصِيرَهُ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۷۹)؛ ای علی، هر کس که مرا در زمان حیات یا مرگم زیارت کند یا تو و فرزندانم را در زمان حیات یا پس از مرگ زیارت کند، من ضمانت می‌کنم که او را از احوال و شداید روز قیامت نجات دهم تا آنکه او را هم درجه خودم می‌گردانم. این روایت و امثال آن نشان می‌دهد که حیات و مرگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام یکسان است؛ زیرا زیارت دوران حیات و مرگ، اجر و آثار یکسان دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۴-۳۱).

۴. زید شحام می‌گوید از صادق آل محمد علیهم السلام پرسیدم: «مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَوْقَ عَرْشِهِ قَالَ قُلْتُ فَمَا لِمَنْ زَارَ أَحَدًا مِنْكُمْ قَالَ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۸۵)؛ ثواب کسی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کند، چیست؟ فرمود: همانند کسی است که در برتر از عرش با خدا ملاقات کند. پرسیدم: کسی که یکی از شماها را زیارت کند، ثوابش چیست؟ فرمود: مانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کند.

۵. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ علیه السلام بِشَطِّ الْفَرَاتِ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص ۲۵۰)؛ هر کس قبر حسین علیه السلام را در کنار شط فرات زیارت نماید، مانند آن است که خداوند را در عرش زیارت کرده باشد.

۶. از امام کاظم علیه السلام نقل شده است که فرمود: «مَنْ زَارَ قَبْرَ وَاَلِدَى عَلَيَّ كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ كَسْبِعِينَ حَجَّةً مَبْرُورَةً قَالَ قُلْتُ سَبْعِينَ حَجَّةً قَالَ نَعَمْ وَ سَبْعِينَ أَلْفَ حَجَّةً قَالَ قُلْتُ سَبْعِينَ أَلْفَ حَجَّةً قَالَ رَبِّ حَجَّةٌ لَنَا تُقْبَلُ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۸۵)؛ هرکس که فرزندانم [امام رضا علیه السلام] را زیارت کند، از ثواب هفتاد حج قبول شده برخوردار است. راوی با تعجب پرسید: ثواب هفتاد حج؟ فرمود: آری، هفتاد هزار حج. راوی دوباره با تعجب پرسید: هفتاد هزار حج؟ فرمود: چه بسا حج که مورد قبول واقع نمی‌شود. اینها نمونه‌هایی از احادیث فراوانی است که در آن، مردم به زیارت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و اهل‌بیتش علیهم السلام فرخوانده شده‌اند که در کتب مربوط به تفصیل بیان شده‌اند.

بررسی و مقایسه جایگاه زیارت در آیین کاتولیک و مذهب شیعه

وجود اماکن زیارتی متعدد، تجلیل از قدیسان و اولیای الهی، تقدیس زیارتگاه‌های آنان، اشتیاق میلیون‌ها زائر برای زیارت و طلب شفای معنوی و تأکید پدران کلیسای کاتولیک و عالمان مذهب شیعه بر مسئله زیارت و تلاش برای بدعت‌زدایی از آن، بیانگر جایگاه والای زیارت در آیین کاتولیک و مذهب شیعه است. از آنجاکه آیین کاتولیک مسیحی و مذهب شیعی اسلام، هر دو از شاخه‌های ادیان ابراهیمی هستند، تحقیق و بررسی نقاط مشترک و مورد اختلاف آنان، دارای آثار مثبت فراوانی است و می‌تواند در نزدیک‌تر شدن دیدگاه‌های دو طرف به یکدیگر مثمرتر باشد. از این‌رو، در اینجا، به مقایسه مسئله زیارت و کارکرد آن، در آیین کاتولیک و مذهب شیعه می‌پردازیم.

در آیین کاتولیک، «کلیسا»، که همان جامعه مسیحی است، زائران روی زمین هستند و باید در پی شهر خدا بنیاد آسمانی باشند. این مسئله از جهاتی به عروج مسیح و بدن او مرتبط است. چنان‌که مسیحیان بدن مسیح را نماد معبد اورشلیم می‌دانند و معتقدند: پس از صلیب مسیح، اورشلیم نیز به آسمان رفت و مسیحیان باید در پی رسیدن به آن شهر آسمانی باشند، هرچند آنان، معبد اورشلیم زمینی و سایر اماکن مقدس را نماد اورشلیم آسمانی در زمین می‌دانند و به زیارت آنها می‌روند. امروزه نیز در سراسر جهان، مسیحیان ارتدوکس و پروتستان، در کنار دیگر مسیحیان کاتولیک، در زیارتگاه‌ها حاضر شده و به دعا و نیایش می‌پردازند.

بنابراین، کلیسای کاتولیک بر این باور است که «کلیسا خانه خداست، مکان مناسب آیین‌های عبادی جامعه مسیحی است. همچنین مکان خاصی برای ستایش حضور واقعی مسیح در نیایش عشای ربانی است» (کلیسای کاتولیک، ۲۰۰۰، ش ۲۶۹۱). براین اساس، کلیساها و صومعه‌ها نیز از اماکن زیارتی کاتولیک‌ها

محسوب می‌شوند. طبق اعتقاد کلیسای کاتولیک: «کلیساهای زمینی و اماکن مقدس تصاویری از شهر مقدس و اورشلیم آسمانی هستند که ما به زیارت آنها می‌رویم» (همان، ۱۱۹۸). علاوه بر معبد اورشلیم، اماکن زیارتی نیز مکانی مناسب برای پیوند میان انسان و خداوند هستند: «زیارت‌ها موجب تبدیل سفرهای زمینی ما به سوی آسمان می‌شود و به طور سنتی موقعیت‌های بسیار خاصی برای بازسازی نیایش‌هاست. برای زائران که در جست‌وجوی آب زندگی هستند، زیارتگاه‌ها اماکن ویژه‌ای برای زیستن آشکال نیایش‌های مسیحی در کلیساست» (همان، ش ۲۶۹۱). براین اساس، در قرون وسطا، کیش پرستش قدیسان و شهدا چنان غالب شد که کشف تربت قدیسان و شهدای «فراوش‌شده» در شهرها و آبادی‌های فاقد آنها معمول شد. غالباً صاحب آن محل، به خواب کسی می‌آمد یا به شخصی الهام می‌شد و آنان بدن آن شهید یا قدیس را پیدا کرده و بقایای مرده را به محل مناسب‌تری انتقال می‌دادند (ویلسون، ۱۳۸۱، ص ۴۰-۴۲).

به‌طور کلی، از دیدگاه کلیسای کاتولیک، اماکن زیارتی مقدس شامل اماکن زیر می‌شود: معبد اورشلیم؛ کلیساها، به‌ویژه کلیساهایی که مقبره قدیسان یا پدران کلیسا باشد؛ صومعه‌ها؛ مقبره شهدا و رویتگاه مریم قدیسه. مسیحیان کاتولیک با حضور در این اماکن، با آداب و تشریفات خاصی به زیارت، دعا و نیایش می‌پردازند.

در مذهب تشیع نیز همان‌گونه که گذشت، ساخت بنا و زیارتگاه بر مقابر اولیای الهی مورد تأکید تمامی عالمان مذهب شیعه است. در این آیین، مؤمنان با واسطه دانستن اولیای الهی در شفاعت و توسل به آنان، آنان را واسطه فیض دانسته، و با دعا و توبه در زیارتگاه‌های آنان، از خدای متعال طلب مغفرت و گشایش امور خویش را خواهند.

افزون بر این، تأکید آیین کاتولیک و مذهب شیعه بر گذر از پوسته و رسیدن به معنا در زیارت، از دیگر مفاهیم کاربردی مرتبط با مسئله زیارت است که با مفهوم اخلاقی و عرفانی عمیق «زیست غریبانه در زمین» گره خورده است. اکنون به بررسی شبهات‌ها و تفاوت‌های این مفاهیم (سفر زائرگونه به سوی شهر آسمانی اورشلیم با زیست غریبانه در زمین) می‌پردازیم.

اورشلیم آسمانی، مقصد زائر حقیقی

همان‌طور که بیان شد، در عهد جدید و دست‌نوشته‌های پدران کلیسا، مسیحیان به عنوان «زائران و غریبه‌ها» در زمین به تصویر کشیده شده‌اند که بر اثر نافرمانی آدم و حوا رانده شده و محکوم به

تفسیر شده است. از این رو، بر اساس روایتی کعبه مربع ساخته شده، چون محاذی بیت‌المعمور است و بیت‌المعمور مربع است، چون در محاذات عرش قرار دارد و عرش نیز مربع است؛ زیرا کلماتی که اسلام بر آن بنا شده ۴ تا است: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر». حرمت بیت‌المعمور در آسمان‌ها، همانند حرمت کعبه در زمین است. این خانه با عبادت فرشتگان معمور و آباد است و بر اساس روایات هر روز، ۷۰۰۰۰ فرشته به زیارت آن می‌آیند و هرگز به آن باز نمی‌گردند.

با توجه به اینکه بیت‌المعمور، حقیقت مثالی کعبه در عوالم غیبی آسمان چهارم یا هفتم است، مقصود از محاذات آن با کعبه، محاذات معنوی است نه مادی. بنابراین، این شبهه که «اگر بیت‌المعمور در آسمان همواره محاذی کعبه باشد، باید هم زمین حرکت کند هم آسمان، یا هیچ‌یک حرکت نکنند؛ چون اگر یکی حرکت کند و دیگری ساکن باشد، از محاذات یکدیگر بیرون می‌روند»، ظاهر نگری ناشی از پندار جسمانی بودن بیت‌المعمور است. البته بنا بر اصل تطابق عالم کبیر کیانی و عالم صغیر انسانی، آنچه در عالم کبیر موجود است، در عالم صغیر انسانی نیز وجود دارد و بیت‌المعمور عالم صغیر انسانی قلب انسان است. از این رو، برخی از اقوال که بیت‌المعمور را به قلب پیامبر اکرم ﷺ و انسان کامل تفسیر کرده، می‌تواند اشاره به این مطلب باشد. (فرهنگ و معارف، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۵۱۸-۵۱۵)

چنان‌که خداوند سبحان حج‌گزاران و عمره‌گزاران را به «اتمام حج و عمره» امر می‌کند: «وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» (بقره: ۱۹۶) و بر اساس برخی روایات، یکی از مصادیق اتمام حج، تشریف حج‌گزار به زیارت امام معصوم ﷺ است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۱ و ۲۴۳).

حاصل این‌که، حرمت کعبه به احترام ولایت و امامت است: «لَا أُقْسِمُ بِاللَّذِّ الْأَبْلَدِ، وَأَنْتَ حِلٌّ بِاللَّذِّ الْأَبْلَدِ» (بلد: ۲-۱). از این رو، کسی که امام خود را نشناخت، اگر به درون کعبه نیز پناه ببرد، از امن الهی برخوردار نیست. با این بیان، روشن شد که یکی از شباهت‌های اصلی میان مفهوم سفر زائرگونه به سوی شهر آسمانی در آیین کاتولیک و زیارت مقبول و عارفانه (معرفت مقام و ولی مورد زیارت) در مذهب شیعه، این است که هر دو در تلاش هستند تا نگاه پیروانشان را از ظاهر به درون برده و نوعی سلوک عارفانه را به آنان تعلیم دهند.

اما اینکه مسیحی کاتولیکی می‌بایست همانند ابراهیم ﷺ، خود را زائری غریب بر روی زمین ببیند و به دنیا دل نبندد، در مذهب شیعه نیز اصل عدم دل‌بستگی به دنیا و جست‌وجوی جهان باقی سرلوحه زندگی شیعیان است. آنان می‌بایست مانند حضرت ابراهیم ﷺ خود را مسافری به سوی خداوند بدانند: «وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيَّهْدِين» (صافات: ۹۹). چنان‌که مفاد سخنان و نامه‌های امام حسین ﷺ، در مسیر کربلا و روز عاشورا گویای این مسئله است که شیعه واقعی کسی است که دل‌بسته دنیا نیست و حاضر است برای هدف خود، جانش را به محبوبش هدیه کند؛ زیرا زائر،

زندگی سخت و تبعید از حضور خدا گردیدند. همان‌گونه که آنان از پیش ساکن بهشت بودند، اکنون نیز می‌توانند زندگی‌ای را بپذیرند که در مسیر اطاعت خداوند است تا سرانجام به سرزمین حقیقی‌شان در آسمان رهنمون شوند. در حقیقت، ایشان همانند یک زائر مسافر زندگی کنند و برای یافتن سرزمین حقیقی تلاش کنند (عبرانیان ۱۱: ۱۶۸). کلیسای کاتولیک بر این باور است که مسیحیان باید در پی اورشلیم آسمانی باشند. در حقیقت، اورشلیم زمینی نماد اورشلیم آسمانی است. در کتاب مکاشفه درباره اورشلیم آسمانی آمده است: «دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید، چونکه آسمان اول و زمین اول درگذشت و دریا دیگر نمی‌باشد و شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل می‌شود، حاضر شده (مکاشفه ۲۱: ۲۷-۱). همچنین در تفسیر پیش‌گویی مسیح از تخریب اورشلیم گفته شده: «آن‌گاه که او خبر تخریب آن (اورشلیم) را داد، خود نشان از صلیب و ورود به عصری جدید از تاریخ نجات است؛ چراکه پس از آن بدن مسیح معبد واقعی می‌باشد» (کلیسای کاتولیک، ۲۰۰۰، ش ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۹۳). و راه رسیدن به حقیقت آسمانی نیز، پیروی کلیسا است. لذا ملاک و معیار برای زیست کاتولیکی، تنها قصد زیارت معبد اورشلیم زمینی نیست، بلکه، حرکت به سوی اورشلیم آسمانی، با متحدشدن با بدن مسیح است.

در مذهب شیعه نیز زیارت منحصر در عبادتگاه‌ها و زیارتگاه‌های زمینی نیست، بلکه در روایات متعددی به زائران سفارش شده است که حج و زیارت واقعی را به‌جا آوردند و صرفاً به زیارت ظاهری اکتفا نکنند. در حقیقت، زیارت اماکن مقدس سمبلی است تا راه گم نشود و بر زائر لازم است که به قرب واقعی برسد. در همین زمینه، حتی کعبه مکرمه نیز سمبلی آسمانی به نام «بیت‌المعمور» دارد و به زائر سالک این نکته را متذکر می‌شود که او باید در پی معنا باشد، نه ظاهر. ترکیب «البیت المعمور»، تنها یک‌بار در آیه ۴ سوره طور آمده است. در آغاز این سوره، خداوند در کنار چند قَسَم، به آن نیز سوگند یاد کرده است: «وَ الطُّورِ وَ كِتَابِ مَسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَنشُورٍ وَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ» (طور: ۱-۵)؛ سوگند خداوند به «البیت‌المعمور» حاکی از قداست، حرمت و عظمت والای این خانه آباد در پیشگاه اوست. مفسران درباره اینکه این خانه مقدس چیست، اختلاف نظر دارند. بنا بر آنچه در علوم عقلی و عرفانی ثابت شده است، همه موجودات عالم ماده مسبوق به تحقق در عوالم قبل از عالم ماده‌اند که از آن جمله کعبه است. از این رو، باید قبل از تحقق مادی آن، در عوالم پیشین (عالم مثال، عقل و لاهوت) متحقق شده باشد. با این توضیح، برخی مفسران بر آنند که «بیت‌المعمور»، اشاره به وجود کعبه در عالم مثال است که در برخی از اقوال مشهورتر به بیتی در محاذات کعبه (در آسمان اول، چهارم یا هفتم)

برای زیارت مزور، از سر جان مشتاق است: «قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره: ۹۴). لذا امیر مؤمنان علیه السلام می فرمود: «وَاللَّهِ مَا يُبَالِي ابْنُ أَبِي طَالِبٍ أَوْ قَعَّ عَلَى الْمَوْتِ أَمْ وَقَعَّ الْمَوْتَ عَلَيْهِ» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۱۱۰)؛ چون زائر مسافر، قصد ماندن ندارد و تا به منزلگه مقصود نرسد، آرام نمی گیرد.

تفاوت اصلی مفهوم سفر زائرگونه به سوی شهر آسمانی اورشلیم در آیین کاتولیک، با مفهوم آن در مذهب شیعه، در این است که در مسیحیت کاتولیک، زیارت به معنای زندگی غریبانه در زمین، ریشه در باورهایی مانند گناه اولیه، زندگی غریبانه انسان در زمین، صلیب مسیح و عروج اورشلیم به آسمان و لزوم اتحاد با بدن مسیح دارد (مکاشفه ۲۱: ۲۷-۱)، اما در مذهب شیعه چنین دکترینی وجود ندارد؛ کعبه مکرمه از ابتدا به عنوان مسجد فرشتگان در آسمان وجود داشته و از همان آغاز امر، مقصود اهل دل بوده است. لذا می توان، نوع نگاه به پیشینه و پسینه معابد مسیحی و اسلامی را یکی از تفاوت های مفهوم زیارت در آیین کاتولیک با مذهب شیعه دانست.

نتیجه گیری

همان طور که ریچارد نیبور (Richard Niebuhr) می گوید: زائران کسانی هستند که در پی تکامل و روشنی، با قطب نمای روحشان از سرزمین های غریب به سوی هدفشان حرکت می کنند (دیوید و دیویدسون، ۲۰۰۲، ص ۱۸)، بر همین اساس، زائران کاتولیک و شیعه در جست و جوی خداوند به سوی زیارتگاهها رهسپار می شوند تا با تقرب به قدیس و ولی خدا، روح خویش را با روح بلند انسانی کامل همراز کنند. جایگاه والای شخص قدیس و ولی خدا، اعتقاد به مقام شفاعت کنندگی آنان و احترام اماکن منسوب به آنان، نقطه مشترک هر دو تفکر دینی در مسئله زیارت است. گذشته از تفاوت های زیارت در آیین کاتولیک و مذهب شیعه، نکته حایز اهمیت این است که هر دو مکتب دارای مخالفانی با اتهامات تقریباً مشابه هستند که زیارت را شرک، بدعت و مخالف ایمان می دانند. در مقابل، کلیسای کاتولیک و مذهب شیعه، ضمن باور به مشروعیت زیارت، آن را مایه تقویت ایمان می دانند.

در بطلان شبهات وارده بر زیارت، همین بس که امروزه میلیون ها انسان مسیحی اعم از کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس به زیارت قدیسان می روند و به آنان متوسل می شوند و درخواست شفاعت می کنند. در جهان اسلام نیز میلیون ها زائر مسلمان اعم از سنی و شیعه به زیارت کعبه مکرمه، زیارت

قبر مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام او می روند که نمونه بارز آن راهپیمایی میلیون ها زائر مسیحی، سنی و شیعه در مراسم اربعین امام حسین علیه السلام در عراق است.

در حقیقت، اقداماتی که روزی پروتستان ها علیه زیارتگاه های کاتولیکی انجام دادند، صرفاً یک مسئله دینی نبود، بلکه سوءاستفاده سیاسیون از عقاید دینی نهضت اصلاح دینی بود که امروزه در فرقه وهابیت در میان اهل سنت شاهد آن هستیم. ایشان برخی عقاید باطل نهفته در کتب پیشینیان را دستاویز اقدامات سیاسی خود قرار داده، به مخالفت با آن می پردازند.

جایگاه زیارت در آیین کاتولیک و مذهب شیعه؛ بررسی و مقایسه ◇ ۳۱

منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ترجمه محمد دشتی، قم هجرت.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۶، *الأمالی*، تهران، بی‌نا.
- ابن فارس، ابی‌الحسین احمد، ۱۴۲۲ق، *معجم مقایس اللغة*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد، ۱۴۲۴ق، *کامل الزیارات*، ج سوم، قم، الفقهة.
- آگوستین قدیس، *شهر خدا*، ۱۳۹۱، ترجمه حسین توفیقی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- برنجکار، رضا، ۱۳۹۱، *آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی*، ج هفدهم، قم، طه.
- بورکهارت، تیتوس، ۱۳۹۰، *مبانی هنر مسیحی*، ترجمه امیر نصری، تهران، حکمت.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، *ادب فتاویٰ مقریان*، ج دوم، قم، اسراء.
- ، ۱۳۷۸، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
- ، ۱۳۸۶، *جرعه‌ای از صهیای حج*، تهران، مشعر.
- الخوری، بولس الفغالی، ۱۹۹۶، *دراسات بیلویه ۱۳، انجیل لوقا؛ یسوع فی اورشلیم*، لبنان، الرابطة الكتابية.
- رسول‌زاده، عباس و جواد باغبانی، ۱۳۸۹، *شناخت مسیحیت*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- السبکی الشافعی، تقی‌الدین، ۲۰۰۸، *شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- السمهودی، ۱۴۱۹، نورالدین أبو الحسن، *وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفى*، دارالکتب العلمیة، بیروت.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۹۸۵، *مجمع البحرین*، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
- عبدالرحیم، محمد، ۱۴۳۱، *احکام الزیارة فی الفقه الاسلامی*، ریاض، مکتبه الرشد.
- فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۵، *اعلام القرآن*، قم، بوستان کتاب.
- فلاورز، سارا، ۱۳۸۱، *اصلاحات*، ترجمه رضا یاسایی، تهران، ققنوس.
- کتاب مقدس*، ۲۰۰۹، ترجمه قدیم، ج پنجم، انتشارات ایلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، ج چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر، بی‌تا، *بحار الانوار*، تهران، اسلامی.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۶، *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم، ناشر، موسسه بوستان کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۳، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
- موسوعة زیارات المعصومین*، ۱۳۸۳، قم، پیام امام هادی ع.

◇ ۳۲ معرفت ادیان، سال هفتم، شماره اول، زمستان ۱۳۹۴

- مولند، اینار، ۱۳۸۷، *جهان مسیحیت*، ترجمه محمدباقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران، امیرکبیر.
- میلر، و.م، ۱۹۳۴، *تفسیر انجیل لوقا*، طهران، مطبعة بروخیم.
- نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، تحقیق مؤسسه آل‌البیت ع، قم، مؤسسه آل‌البیت ع.
- وان وورست، رابرت ای، ۱۳۸۵، *مسیحیت از لایه‌لای متون*، ترجمه، جواد باغبانی و عباس رسول‌زاده، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- ویلسون، برایان، ۱۳۸۱، *دین مسیح*، ترجمه حسن افشار، تهران، مرکز.
- هینلز، جان آر، ۱۳۸۶، *فرهنگ ادیان جهان*، ترجمه گروه مترجمان، قم، ادیان و مذاهب.
- Catholic Church, ۲۰۰۰, *Catechism of the Catholic Church*, Second edition, Our Sunday Visitor, Original from the University of Michigan.
- Linda Kay Davidson and David M. , ۲۰۰۲, *Giltitz; Pilgrimage from the Ganges to Graceland, an Encyclopedia*, Manufactured in the United States of America.